

■ واکاوی اصطلاح "تعليق" در نسخه‌شناسی
براساس انجامه‌های نسخ خطی سفینه تيريز و چند نسخه ديگر
مجتبیٰ مجرد | محمد جعفر ياحقی

■ چکیده

هدف: بررسی کاربرد و معنای تکنیکی اصطلاح "تعليق" به عنوان نوعی خاص اما ناشناخته از کتابت در نزد کاتبان مسلمان ایرانی با اتکا به مستندات درون‌متنی و برون‌متنی است. روش / رویکرد پژوهش: نخست اصطلاح "تعليق" در متون کهن فارسی و سپس در انجامه‌های نسخه خطی سفینه تيريز و چند نسخه خطی دیگر بررسی شد. یافته‌ها: واژه "تعليق" را کاتبان نسخه‌های خطی در استنساخ اولیه آثار نیازمند مقابله و تصحیح دوباره در انجامه به کار می‌برده‌اند. نتیجه‌گیری: مصححان باید در تصحیح متون، از نسخی که در انجامه آنها اصطلاح "تعليق" به کار رفته است با احتیاط استفاده کنند.

کلیدواژه‌ها

نسخه‌های خطی، سفینه تيريز، انجامه، تعليق، کتابت، تصحیح

واکاوی اصطلاح "تعليق" در نسخه‌شناسی براساس انجامه‌های نسخ خطی سفینه تبریز و چند نسخه دیگر

مجتبی مجرد^۱ | محمدجعفر یاحقی^۲

دریافت: ۱۳۹۱/۰۹/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۱۹

مقدمه

در لابه‌لای اوراق فرسوده و کهنه نسخه‌های خطی نکته‌هایی وجود دارد که گاه از فرط بدهت نادیده انگاشته می‌شود. این نکات که گاهی به صورت یک واژه یا اصطلاح خاص در نسخه‌ها نمود می‌یابد می‌تواند انعکاس‌دهنده زمینه‌های گوناگون مذهبی، فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و مانند آن در یک دوره کوتاه یا بلند تاریخی باشد. جدا از محتوای اصلی نسخه‌ها، ظُهر و حواشی، مُهرها، تصاویر و نگاره‌ها، تزیینات و تذهیبات و ده‌ها مورد دیگر در نسخه‌های خطی یافت می‌شود که پژوهش و بررسی هر کدام از آنها می‌تواند کلیدی برای فهم بخش‌های ناشناخته فرهنگ و تمدن گذشته باشد.

یکی از قسمت‌های اصلی نسخ خطی، ترقیمه یا انجامه نسخه است. انجامه‌ها که بیشتر در پایان نسخه‌ها و کتب خطی توسط کاتبان به نگارش درمی‌آمده است، عمری به درازای سنت نسخه‌نویسی دارد. انجامه نسخه‌های خطی در بردارنده نکات بسیار مهم و ارزشمندی است، به گونه‌ای که اگر انجامه نسخه‌ای ساقط شده باشد یا به هر دلیلی قابل خواندن نباشد نسخه دچار نوعی بی‌هویتی می‌شود؛ زیرا از طریق آنها می‌توان به مواردی از جمله نام کاتب، تاریخ دقیق کتابت، نوع کتابت، و مکان کتابت دست یافت.

بحث اصلی این مقاله بررسی یکی از انواع کتابت است. چنانکه اشاره شد یکی از مواردی که در انجامه نسخه به صورت مشخص بیان می‌شود نوع کتابت نسخه است، بدین معنی که کاتب با استفاده از عباراتی نظیر: "تمت تحریر..."، "تمت تسوید..."، "تمت تبيض..."، "وافق الفراغ

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی،
دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)
mojarad_mojtaba@yahoo.com
۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه
فردوسی مشهد
mgvahghi@yahoo.com

من تمیق...، و "اتفق الفراغ من تعليق... نوع نگارش نسخه را متذکر می‌شود. براساس عباراتی که کاتبان فاضل و بادقت در انجامه نسخه به کار برده‌اند می‌توان به پرسش‌های گوناگونی که درباره نوع نگارش نسخه که در ذهن پژوهشگر نقش می‌بندد پاسخ گفت؛ از جمله اینکه آیا نسخه خطی صورت اولیه متن است یا صورت پاکنویس شده آن؟ آیا نسخه مکتوب عنقی وجود داشته است، یا کاتب، نویسنده اثر است و یا اینکه مطلبی را شنیده و کتابت کرده است؟ آیا نسخه، سماع و مقابله و تصحیح شده است یا خیر.

یکی از اصطلاحاتی که برخی کاتبان برای بیان نوع نگارش خود در انجامه پاره‌ای از نسخ خطی به کار برده‌اند، اصطلاح "تعليق" است. نمونه بسیار برجسته‌ای از کاربرد این اصطلاح را می‌توان در تعدادی از انجامه‌های سفینه تبریز مشاهده کرد. سفینه تبریز نسخه خطی منحصر به فردی است که در بردارنده ۲۰۹ عنوان رساله و منتخب کتاب است که جز سه رساله، بقیه در فاصله سال‌های ۷۲۱-۷۲۳ هجری توسط یکی از ادیبان و فاضلان تبریز به نام ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی گردآوری و کتابت شده است (تبریزی، ۱۳۸۱، پنج). کاتب سفینه تبریز در انجامه رساله‌ها و منتخباتی که در این اثر آورده، نوع نگارش خود را با عباراتی از قبیل: "تمت النسخه..."، "تم الكتاب..."، "فرغ من تحريره..."، "اتفق الفراغ من تحريره..."، "فرغ من تسويده..." بیان کرده است. در انجامه ۱۹ رساله و منتخب کتاب که در این سفینه درج شده، کاتب از عباراتی استفاده کرده که در همه آنها نوع نگارش خویش را "تعليق" معرفی کرده است. از آنجا که ابوالمجد تبریزی کاتبی دقیق و فاضلی ادیب بوده، این واژه‌ها در نظر او بایست معنای خاصی داشته باشد؛ معنایی که بیانگر نوعی اشتراک در میان این ۱۹ رساله و منتخب است. برای بررسی این ویژگی‌های مشترک و کشف معنای خاص "تعليق"، نخست موارد نوزده‌گانه کاربرد این اصطلاح در انجامه‌های سفینه تبریز ذکر می‌شود.

موارد کاربرد "تعليق" در سفینه تبریز

۱. کتاب العقود و هو قصيدة منظومة في علم النحو/ سراینده: نامشخص / کتابت: سه‌شنبه ۲۶ ذی‌القعدة ۷۲۲/ انجامه: "فرغ من تعليق هذه القيود عشوة ليلة الثلاثاء..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۲).

۲. في محبة الحقيقة (مختصری است از رساله قشیریه) / مؤلف: ابوالقاسم قشیری (م ۴۶۵) / کتابت: دوشنبه ۳ ذی‌الحجة ۷۲۲/ انجامه: "اتفق تعليق الرسالة هذه من المطع الي المقطع في جوف ليلة..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۳).

۳. اصول فقه (بخش‌های پایانی کتابی در اصول فقه) / مؤلف: نامشخص / کتابت: شنبه نیمه ذی‌الحجة ۷۲۲/ انجامه: "فرغ من تعليقه رواح يوم السبت..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۸).

۴. الشمسیه فی قواعد المنطقیه / مؤلف: نجم الدین دبیران کاتبی قزوینی (م ۶۷۵) / کتابت: یکشنبه ۲۳ ذی الحجه ۷۲۲ / انجامه: "تفق الفراغ من تعلیقه ضحوة یوم..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۰).
۵. تحصیل الحق فی مذاهب الخلق / مؤلف: فخر رازی (م ۶۰۶) / کتابت: سه شنبه ۲۲ صفر ۷۲۳ / انجامه: "تفق الفراغ من تعلیق هذه الرساله..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۴).
۶. خطبة التوحید / مؤلف: ابن سینا (م ۴۲۸) / کتابت: شنبه ۲۶ صفر ۷۲۳ / انجامه: اتفق الفراغ من تعلیق هذه الخطبه..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۳).
۷. کتاب ابوعلی سینا در جواب شیخ ابوسعید ابوالخیر / مؤلف: ابن سینا / کتابت: پنجشنبه ۲ ربیع الاول ۷۲۳ / انجامه: "تم التعلیق اول یوم الثانی من ربیع الاول..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۳۴۵).
۸. تفسیر سوره اخلاص و معوذتین / مؤلف: ابن سینا / کتابت: پنجشنبه ۲ ربیع الاول ۷۲۳ / انجامه: "تفق الفراغ من تعلیق هذه النسخه..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۳۴۸).
۹. الزبده فی الهیئة / مؤلف: خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲) / کتابت: شنبه ۱۱ ربیع الاول ۷۲۳ / انجامه: "فرغ من تعلیقه..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۱).
۱۰. بیست باب در اسطرلاب / مؤلف: نصیرالدین عیبی / کتابت: سه شنبه ۱۴ ربیع الاول ۷۲۳ / انجامه: "تفق الفراغ من تعلیقه لیلة الثلثا..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۳۹۵).
۱۱. التحفه فی علم الرمل / مؤلف: سعدالدین مسعودبن احمدبن عبدالله خاصبکی / کتابت: یکشنبه ۱۹ ربیع الاول ۷۲۳ / انجامه: "تفق الفراغ من تعلیقه بحمدالله و حسن توفیقه..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۴۰۴).
۱۲. لطایف شرفی / مؤلف: عبدالله بن علی بن محمد تبریزی / کتابت: یکشنبه ۲۶ ربیع الاول ۷۲۳ / انجامه: "فرغ من تعلیقه بحمدالله و منه..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۴۳۴).
۱۳. الخطبة و المدح بغير نقطة / مؤلف: نامشخص / کتابت: سه شنبه ۵ ذی القعدة ۷۲۲ / انجامه: "تفق الفراغ من تعلیق هذه الرساله..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۶۳۰).
۱۴. رساله در موسیقی / عجب الزمان محمدبن محمود نیشابوری / کتابت: دوشنبه ۲۴ ذی الحجه ۷۲۲ / انجامه: "تفق الفراغ من تعلیقه جوف لیلة..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۶۳۳).
۱۵. خواص معادن کانی / مؤلف: نامشخص / کتابت: سه شنبه ۳ محرم ۷۲۳ / انجامه: "تفق الفراغ من تعلیقه" (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۶۵۶).
۱۶. خواص معطرات / مؤلف: نامشخص / کتابت: سه شنبه ۳ محرم ۷۲۳ / انجامه: "تفق الفراغ من تعلیقه..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۶۵۶).
۱۷. دلایل برف و باران (آثار علوی / کائنات جوئی) / مؤلف: نامشخص / کتابت: چهارشنبه ۴ محرم ۷۲۳ / انجامه: "تفق الفراغ من تعلیق هذه الرساله..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۶۶۰).

۱۸. رساله القوسیه/ مؤلف: کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی / کتابت: سه‌شنبه نیمه صفر ۷۲۳/ انجامه: "تفق الفراغ من تعلیق رساله القوسیه..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۷۱۰).

۱۹. بدایع الصحابه فی بعض اخبار النبویه/ مؤلف: ابوالمجد محمد بن صدرالدین ملک مسعود (کاتب سفینه تبریز)/ کتابت: چهارشنبه ۲۲ رجب ۷۲۳/ انجامه: "تفق الفراغ من تسویده و تعلیقه بحمد الله و حسن توفیقه..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۷۳۳).

علاوه بر موارد بالا، در یک جای دیگر نیز کاتب سفینه تبریز واژه "تعلیق" را در معنای اصطلاحی خود به کار برده است و آن در پایان رساله منتخب الشواهد و الشوارد است. در حاشیه انجامه این رساله عبارت "قابلت مع تعلیقه و صححت بقدر الوسع و الامکان" به خط کاتب قید شده است (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۲). ایرج افشار (۱۳۰۴-۱۳۸۹) این عبارت را به صورت "قابلت مع خلیفه و صححت بقدر الوسع و الامکان" خوانده است، اما به دلیل تجارب ارزشمند ناشی از ده‌ها سال تتبع در نسخه‌های خطی، چون به صحت قرائت خود اطمینان نداشته، تصویر همین حاشیه را در ضمن مقاله خود چاپ کرده است (افشار، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷، ص ۲۹۲).

در عبارت مذکور، بی‌گمان واژه "تعلیقه" سهواً "خلیفه" خوانده شده و شاید منشأ اصلی این غلط‌خوانی نقطه‌گذاری بد کاتب بوده است. اما به چند دلیل، "خلیفه" در این عبارت اشتباه و "تعلیقه" درست است. نخست اینکه "خلیفه" از حیث نحوی درست نیست و بایست لاقلاً "خلیفته" می‌بود. ثانیاً عبارت به صورتی که ایرج افشار خوانده است معنای مُحَصَّلی نخواهد داشت. ثالثاً نباید از کم‌دقتی کاتب در نقطه‌گذاری برخی واژه‌ها چشم‌پوشی کرد؛ زیرا در همه ۱۹ موردی که واژه "تعلیق" در انجامه‌های سفینه تبریز قید شده فقط در سه مورد نقطه‌های واژه تعلیق به صورت کامل گذاشته شده است (تبریزی، ۱۳۸۱، صص ۳۱۴، ۳۸۱، ۶۵۶). در سایر موارد، این واژه یا بدون نقطه نوشته شده و یا در گذاشتن نقطه‌های برخی از حروف سهل‌انگاری شده است. با مقایسه موارد کتابت این واژه در سفینه تبریز می‌توان به روشنی دریافت که قرائت صحیح واژه، "تعلیق" است نه "خلیفه".

بنابراین، کاتب سفینه تبریز در مجموع، ۲۰ بار از واژه "تعلیق" در معنای اصطلاحی خود که بیانگر نوع خاصی از کتابت بوده، استفاده کرده است. برای فهم معنای اصطلاحی تعلیق، نخست باید معانی لغوی و کاربردی این واژه را در میان کاتبان و نویسندگان و به‌ویژه نویسندگان فارسی‌زبان بررسی کرد و سپس با توجه به شواهد و دلایلی که در سفینه تبریز و سایر متون و نسخ خطی وجود دارد به واکاوی معنای اصطلاحی این واژه پرداخت.

تعلیق در آثار کهن فارسی

واژه مصدری تعلیق از ریشه "علق" به معنی درآویختن و نصب کردن است (جوهری، ۱۴۱۰،

ج ۴، ص ۱۵۳۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۶۳). خود واژه "عَلَقٌ" به معنی خون لخته‌ای است که هنوز خشک نشده است و به همین معنی در قرآن کریم نیز استعمال شده است (قرآن ۹۶: ۲ ر.ک. فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۶۱). این واژه به مرور زمان معانی ثانویه‌ای پیدا کرده است از جمله: بند کردن در، عاشق گردانیدن، ترک نکردن کار، و انداختن مهار شتر بر گردن آن. علاوه بر این، اصطلاح "تعلیق" در علوم مختلف اسلامی نیز بر معانی خاصی دلالت می‌کند. به طور مثال، در خوشنویسی، به خطی که حاصل امتزاج خطوط رقا و توقیع است و ریشه خط نستعلیق فعلی به شمار می‌آید، تعلیق گویند. در اصطلاح شعرا تعلیق عبارت است از مرتب کردن حکمی بر ثبوت یا نفی حکم دیگر. نزد نحویان، باطل ساختن عمل افعال قلوب را تعلیق گویند و محدثان نیز خلاف یک راوی یا بیشتر از اوایل اسناد حدیث را تعلیق می‌خوانند (برای معانی بیشتر تعلیق ر.ک: دهخدا ذیل: تعلیق).

این واژه در تداول فارسی زبانان معانی دیگری نیز پیدا کرده است که بی‌ارتباط با ریشه کلمه نیست. از میان معانی گوناگون تعلیق، آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد معانی‌ای از آن در آثار کهن فارسی است که ناظر بر بیان نوعی خاص از کتابت باشد. تا آنجا که جستجو کرده‌اند یکی از کهن‌ترین آثار مثنوی فارسی که واژه تعلیق در آن به معنی نوعی خاص از نوشتن به کار رفته سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی است. در بخشی از این سفرنامه آمده است: "این معنی در جامع بیت المقدس دیده بودم و تصویر کرده و همانجا بر روزنامه‌ای که داشتم تعلیق زده..." (ناصر خسرو، ۱۳۸۱، ص ۵۶). ناصر خسرو در این عبارت، تعلیق را به معنی یادداشت برداری و ثبت توأم با شتاب به کار برده است. تعلیق به معنی ثبت و یادداشت در سایر متون کهن از جمله تاریخ بیهقی مکرر به کار رفته است که به عنوان نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: "و بیامدم و نامه نبشته آمد برین نسخه که تعلیق کرده آمده است" (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۷۶)؛ "آنچه گویم از معاینه گویم و از تعلیق که دارم" (بیهقی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵)؛ "و مرا که بوالفضل این روز نوبت بود، این همه دیدم و بر تقویم این سال تعلیق کردم" (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۹۲، ۲۲۰، ۶۰۶، ۷۱۴؛ منشی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۲).

از نمونه‌های بالا مشخص می‌شود که یکی از معانی تعلیق در متون کهن فارسی "یادداشت و ثبت کردن" است. این یادداشت‌ها گاه از مشاهدات یا شنیده‌ها و گاه از طریق استنساخ از روی نامه یا نسخه‌ای از یک اثر نوشته می‌شده است. علاوه بر این، تعلیق به معنی دیگری نیز در متون کهن فارسی به کار رفته است که تا حدی با همین معنی یادداشت کردن قرابت داشته است، لیکن تفاوت‌هایی نیز میان این معنی با یادداشت کردن صرف وجود دارد. در اسرار التوحید آمده است: "پس شیخ ما ابوسعید - قدس الله روحه العزیز - مُتَّفَقٌ و مُخْتَلَفٌ، در مدت پنج سال بر امام ابو عبدالله خضری خواند. چون شیخ تعلیق تمام کرد، امام ابو عبدالله

به رحمت حق - سبحانه تعالی - پیوست" (منور، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۳). تعلیق، در این عبارت، هرچند می‌تواند به معنی یادداشت و استملاء نیز باشد، لیکن معنای دقیق‌تر آن همان است که محمدرضا شفیعی کدکنی بدان اشاره کرده است: "یادداشت‌هایی که شاگرد از سر درس استاد برمی‌داشته است و مطلق یادداشت را هم تعلیق می‌گفته‌اند... و رسم بر این بوده است که تعلیق را شاگرد به استاد نشان می‌داده و گاه استاد درستی آن را به خط خویش امضا می‌کرده است" (منور، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۷۸).

تعلیق به معنی یادداشت کردن شاگرد از درس استاد در سایر متون فارسی نیز به کار رفته است. سنایی غزنوی در باب تاسع حدیقه، ذیل مثال علوی زرمندی می‌گوید:

صبر کن بر ادای جان کُش او
دل منه بر غذای ناخوش او
کآب رویش ز تخته افلاک
شست تعلیق‌های عمرش پاک
(سنایی، ۱۳۷۴، ص ۶۸۲)

در بیت دوم، با توجه به واژه تخته که به معنی لوح به کار رفته است و طبیعتاً معنای مکتب و درس و استاد را به ذهن متبادر می‌کند، این احتمال وجود دارد که تعلیق به معنی یادداشت‌های شاگرد از درس استاد به کار رفته باشد. نظامی گنجوی در مثنوی اقبالنامه ذیل "غانی ساختن افلاطون" می‌گوید:

به اندیشه بنشست در کنج کاخ
دل تنگ را داد میدان فراخ
به تعلیق آن درس پنهان نویس
که نقشی عجب بود و نقدی نفیس
(نظامی گنجوی، ۱۳۸۸، ص ۹۹۶)

در این عبارت نظامی نیز تعلیق با درس و مکتب‌خانه مرتبط شده است. پس از نظامی، عطار نیشابوری نیز در چند موضع تعلیق را به هر دو معنی مطلق یادداشت و یادداشت شاگرد از درس استاد به کار برده است، در الهی‌نامه می‌گوید:

گر از سر وفا تعلیق داری
چو محمودت دهد توفیق یاری
(عطار، ۱۳۸۸، ص ۳۱۵)

در این بیت، تعلیق به معنی مطلق یادداشت کردن به کار رفته است. اما در جاهایی نیز مشخصاً کلمات درس و استاد و مکتب همراه با تعلیق به کار رفته است که نشان می‌دهد در این موارد عطار تعلیق را به معنی یادداشت‌برداری شاگرد از درس استاد به کار برده است. برای نمونه چند مورد از این کاربرد در مصیبت‌نامه ذکر می‌شود:

بعد از آن در صدر شد تدریس را
درس "ما أوحی" بگفت ادریس را
در مصیبت نوح را تصدیق کرد
نوحه شوق حقیقش تعلیق کرد
(عطار، ۱۳۸۸، ص ۱۳۶)

کم نه‌ای از مرغکی ای بینوا
(عطار، ۱۳۸۸، ص ۲۰۴)

پیش او تعلیق کن درس وفا

از شرّه پیوسته در تحصیل بود
با همه خلق جهان کاری نداشت
(عطار، ۱۳۸۸، ص ۳۳۰)

سال تا سالش دو شب تعطیل بود
کار جز تعلیق و تکراری نداشت

این بحث را با اشاره به بیتی از مثنوی مولانا به پایان می‌بریم که در اینجا هم واژه تعلیق به معنی یادداشت‌برداری از درس استاد به کار رفته است:

مدرسه و تعلیق و صورت‌های وی
چون به دانش متصل شد گشت طی
(مولوی، ۱۳۸۵، ص ۹۲۰)

اصطلاح تعلیق در نسخ خطی

چنانکه بیان شد در آثار کهن منظوم و مثنوی فارسی واژه تعلیق به نوعی از کتابت اطلاق می‌شده که دارای دو ویژگی خاص بوده است: نخست اینکه عموماً این یادداشت‌ها علی‌العجاله و فوری نوشته می‌شد. ثانیاً در مواردی که یادداشت مربوط به درس و مکتب بوده، در حضور استاد یا با نوشته سایر افراد مقابله و حک و اصلاح می‌شده است. با توجه به این نکات دوباره با رجوع به انجامه‌های سفینه تبریز به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

با بررسی ۱۹ رساله‌ای که در انجامه آنها کاتب نوع کتابت خود را "تعلیق" معرفی کرده به این نتیجه می‌رسیم که اولاً هیچ‌یک از این رسائل و منتخبات، برخلاف عموم رسائل موجود در سفینه، تصحیح و مقابله نشده و نشانه‌های تصحیح در حاشیه این رسائل وجود ندارد. ثانیاً بسیاری از این منتخبات و رسائل نوزده‌گانه پشت سر هم و با فواصل زمانی اندک به نگارش درآمده است. به عنوان نمونه کتاب ابوعلی سینا در جواب شیخ ابوسعید، تفسیر سوره اخلاص و معوذتین، الزبده فی الهیئه، بیست باب در اسطرلاب، التتحفه فی علم الرمل و لطایف شرفی که در مجموع حدود ۴۸ صفحه از محتویات سفینه تبریز را دربر می‌گیرد، همگی در فاصله دوم تا بیست و ششم ربیع‌الاول سال ۷۲۳ هجری کتابت شده است.

از مجموع قرائنی که بیان شد می‌توان دریافت که کاتب سفینه تبریز که خود از فاضلان و دانش مردان روزگار خویش بوده و در کاربرد کلمات، به‌ویژه در انجامه رسائل، دقت خاصی داشته، واژه تعلیق را در مواردی به عنوان نوع کتابت بیان کرده است. در مواردی نیز که کاتب از روی نسخه‌ای مطلبی را به سرعت استنساخ کرده و نسبت به صحت و سقم استنساخ خود شک و تردید داشته از واژه تعلیق در انجامه رساله استفاده کرده است تا بعدها بتواند این نوع نوشته‌ها و رسائل را به صورت مشخص دوباره با اصل نسخه یا نسخه معتبر دیگری مقابله و تصحیح کند.

بنابراین، کاربرد واژه تعلیق در انجامه‌های نسخه سفینه تبریز نه صرفاً به معنی یادداشت برداری است و نه به معنی یادداشت‌هایی که از درس استاد برداشته می‌شود. زیرا اولاً رساله‌هایی مانند الزبده فی علم الهیئه که حدود ۱۶ صفحه است و نوع کتابتش تعلیق معرفی شده، یادداشت صرف نبوده است، چون حجم این رساله از یادداشت برداری عادی بسیار بیشتر است. یادداشت برداری فوری مربوط به مواردی است که حجم مطلب اندک باشد. علاوه بر این، کاربرد تعلیق به معنای یادداشت‌هایی که طالب علم از درس استاد برمی‌داشته نیز منتفی است، زیرا مؤلفان عموم رسائلی که در انجامه آنها از واژه تعلیق استفاده شده است سال‌ها و بلکه قرن‌ها پیش از کاتب سفینه زندگی می‌کرده‌اند و او نمی‌توانسته سرِ درس این افراد حضور یابد تا مطلبی را یادداشت کند؛ ضمن اینکه بسیاری از این رسائل از روی آثار و کتب مدون استنساخ شده‌اند نه از سخنان یا مسموعات افراد و استادان مربوط.

نسخه‌هایی که به سرعت از روی نسخه‌ای دیگر استنساخ می‌شد و نیاز به مقابله و تصحیح داشت اگر توسط کاتبان فاضل نوشته می‌شد، در انجامه نسخه با واژه تعلیق متمایز می‌گردید. بنابراین، تعلیق نوعی از کتابت بوده که تقریباً مترادف "تسوید" به کار می‌رفته است، با این تفاوت که اصطلاح "تسوید" عموماً زمانی به کار می‌رفته که نسخه برای نخستین بار توسط مؤلف یا یکی از شاگردان وی کتابت می‌شده است و احتمال داشته که مؤلف بعدها در آن دخل و تصرف نماید. تسویدها در صورت پاک‌نویس شدن و تنقیح نهایی "بیاض" نامیده می‌شده است و نوع نگارش نسخه را "تبیض" می‌گفته‌اند. ترادف معنایی "تعلیق" و "تسوید" را می‌توان از انجامه دویست و ششمین رساله سفینه تبریز یعنی بدایع الصاحبیه فی بعض اخبار النبویه نیز دریافت. انجامه این رساله که تألیف و کتابتش توسط کاتب سفینه تبریز یعنی ابوالمجد تبریزی انجام گرفته، چنین است: "اتفق الفراغ من تسویده و تعلیقه بحمدالله و حسن توفیقه..." (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۷۳۳). بنابراین، باید پذیرفت که مقصود کاتب سفینه تبریز از واژه تعلیق همان صورت نخست کتابت بوده است که بعد بایست به زیور مقابله و تصحیح آراسته شود.

نسخه‌هایی که به صورت تعلیق، یعنی کتابت اولیه، نوشته می‌شدند معمولاً در اولین فرصت مناسب و یا به محض یافتن نسخه‌ای معتبر، توسط برخی از کاتبان و فاضلان مقابله و تصحیح می‌شد. کاتب سفینه تبریز نیز یک‌بار فرصت مقابله یکی از تعلیق‌های خویش را پیدا کرد و این مطلب را در حاشیه انجامه رساله مذکور یعنی الشواهد و الشوارد ذکر نموده و به خط کاتب عبارت "قابلت مع تعلیقه و صححت بقدر الوسع و الامکان" قید شده است (تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۲). این همان عبارتی است که ایرج افشار آن را "قابلت مع خلیفه..." خوانده است و پیشتر بدان اشاره شد. این یادداشت کاتب نشان می‌دهد که وی قبلاً یادداشتی

از منتخب الشواهد و الشوارد داشته و سپس رساله مذکور را با آن یادداشت اولیه یا "تعلیق" نسخه، مقابله و تصحیح کرده است.

کاربرد اصطلاحی تعلیق در سایر آثار و نسخ خطی

کاربرد اصطلاح تعلیق به معنای استنساخ اولیه و فوری از یک اثر که بایست بعدها با سایر نسخ معتبر آن اثر مقابله و تصحیح گردد، صرفاً مربوط به سفینه تبریز نیست، بلکه در آثار و تألیفات برخی از معاصران ابوالمجد تبریزی نیز به چشم می خورد. ابوالقاسم قاشانی (م ۷۳۸) مؤلف تاریخ اولجایتو می نویسد: "و اگر فارغ دل باشد که همت و نیت بر استقصای احوال آنجا مستغرق گرداند و از معتبران و مجتازان اخبار باز داند و روزگار به تعلیق و تلیق و تسوید و تبیض صرف کند از ایراد عجایب و ادای غرایب یک طرف از آن دیار متقصی نتواند شد" (قاشانی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۲). از فحوای کلام نویسنده و نیز ترادف معنایی "تعلیق" و "تسوید" می توان دریافت که تعلیق در این عبارت به معنای رونویسی اولیه از آثار و نسخ به کار رفته است (حسینی قزوینی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۱).

در انجامه پاره‌ای از نسخ خطی نیز اصطلاح تعلیق دقیقاً رساننده این مطلب است که نسخه مزبور استنساخ اولیه و فوری بوده و نیازمند مقابله و تصحیح است. در نسخه ظفرنامه حمدالله مستوفی که در حاشیه آن شاهنامه مصحح وی نیز کتابت شده، واژه تعلیق به معنای اصطلاحی آن توسط کاتب به کار رفته است. عبارت ترقیمه شاهنامه در این نسخه که به سال ۸۰۷ هجری در شیراز کتابت شده چنین است:

"علقه علی سبیل الاستعجال اضعف عبادالله و احقر خلق الله تعالی و احوجهم الی عفوه و غفرانه محمود الحسینی غفرالله له و لوالدیه و لجمیع امة محمد صلی الله علیه و سلم فی العشر الآخر رمضان المبارک، افاض الله برکاتها سنة سبع و ثمانمائة بمدینه الأمان شیراز" (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۵۵۹).

چنانکه ملاحظه می شود در عبارت نخست ترقیمه فعل "علق" دقیقاً به معنای استنساخ اولیه و فوری نسخه به کار رفته و عبارت "علی سبیل الاستعجال" تأکیدی بر این مدعاست. با ذکر سه نمونه دیگر از انجامه‌های نسخ خطی به این بحث پایان می دهیم:

۱. التهذیب، تفسیر قرآن به زبان عربی، تألیف ابوسعید جشمی بیهقی (م ۴۹۴) که نسخه‌ای از آن به شماره ۳۷۴۶ در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی به خط نسخ حسین بن عبدالله خولانی مورخ دوشنبه جمادی الآخر سال ۶۷۸ هجری موجود است. این نسخه که در واقع جلد نهم تفسیر را شامل می شود، هیچ گونه نشانه تصحیح و مقابله نداشته و از عبارت کاتب در انجامه نسخه به خوبی می توان دریافت که استنساخ اولیه تفسیر بوده و

بایست بعدها مقابله و تصحیح می‌شده است. عبارت انجامه نسخه چنین است: "وافق الفراغ من تعلیقه یوم..." (کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، بی‌تا، ج ۱۰، صص ۱۴۱-۱۴۲؛ تصویر انجامه نسخه در پایان جلد دهم فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی).

۲. شرح مختصر الاصول، کتابی است فقهی به زبان عربی از قاضی عضدالدین ایجی (م ۷۵۶) که نسخه‌ای از این اثر به شماره ۸۲۳ در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی به خط نسخ عبدالرحمن بن عمر تربتی مورخ روز جمعه ۲۶ رمضان سال ۷۵۷ موجود است. کتابت این نسخه چنانکه مشخص است یک سال پس از فوت مؤلف بوده و به احتمال قوی از روی نسخه مؤلف استنساخ شده، اما مقابله و تصحیح نسخه انجام پذیرفته است. عبارت انجامه نسخه چنین است: "وافق الفراغ من تعلیقه یوم الجمعة..." (کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، بی‌تا، ج ۳، صص ۲۴؛ تصویر انجامه نسخه در پایان جلد سوم فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی).

۳. النجم الثاقب فی اشرف المناقب، کتابی است در سیره پیامبر اکرم (ص) به زبان عربی، اثر بدرالدین حسن بن عمر حلبی (م ۷۷۹). نسخه‌ای از آن به شماره ۲۵۳۲ در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی به خط نسخ علی بن احمد قصیف موجود است که در سال ۸۷۵ در مکه از روی نسخه‌ای که به سال ۷۶۸ کتابت شده، نوشته شده است. عبارت انجامه نسخه این است: "انتهی مسیر [کذا] نجم الثاقب... فی رجب الحرام سنه ثمان و ستین و سبعمائه، کذا هو فی النسخه المنقول عنها؛ علقه لنفسه و لمن شاء من بعده فراجی عفو ربه اللطیف علی بن احمد بن القصیف بمکه المشرفه عام خمس و سبعین و ثمانمائه" (کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، بی‌تا، ج ۷، صص ۱۱۸-۱۱۹؛ تصویر انجامه نسخه در پایان جلد هفتم فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی). عبارت "علقه لنفسه" در انجامه این نسخه به روشنی نشان می‌دهد که تعلیق نسخه عبارت از یادداشت برداری و استنساخ اولیه افراد و کاتبان از روی یک اثر بوده است.

نتیجه‌گیری

واژه "تعلیق" در زبان عربی و به تبع آن در زبان فارسی برای بیان معانی گوناگون به کار رفته است. به نظر می‌رسد پیشینه معنایی واژه تعلیق، از مهم‌ترین علل استفاده از این واژه برای بیان نوعی خاص از کتابت در نسخه‌شناسی بوده است. این اصطلاح که از حدود قرن پنجم یا پیش از آن در متون اسلامی و از جمله در متون فارسی در دو معنای یادداشت همراه با تعجیل، و یادداشت از درس استاد به کار می‌رفته در قرون ششم تا نهم هجری در بین نسخه‌نویسان

و کاتبان مسلمان و ایرانی متداول بوده است. به تدریج کاتبان فاضل که می‌کوشیدند کتابت را در قالب قواعدی مشخص و دقیق درآورند، به استفاده از این اصطلاح برای بیان نوع نگارش نسخ خطی پرداختند و آن را رواج دادند.

اصطلاح تعلیق در انجامه نسخه‌های خطی عموماً بیانگر نوع خاصی از کتابت است، بدین معنا که کاتبان فاضل زمانی که با سرعت از روی یک نسخه به استنساخ می‌پرداختند و مجالی برای مقابله و تصحیح آن پیدا نمی‌کردند، با ذکر واژه تعلیق در انجامه نسخه متذکر مطلب می‌شدند. این روش باعث می‌شد که بعدها نسخه‌هایی که مقابله و تصحیح نشده بود از سایر نسخه‌ها متمایز باشد و این تمایز سبب می‌شد در اولین فرصتی که نسخه‌ای معتبر از آن اثر پیدا می‌شد، کاتب اقدام به مقابله و تصحیح تعلیق خویش کند. معمولاً نسخه‌هایی که بعدها مقابله و تصحیح می‌شد با ذکر عبارات و گواهی‌های مقابله و تصحیح در حواشی یا ذیل انجامه نسخ مشخص می‌گردید. بنابراین، مصححان باید توجه داشته باشند که در تصحیح متون از نسخی که در انجامه آنها اصطلاح تعلیق به کار رفته است با نهایت احتیاط استفاده کنند.

مآخذ

- افشار، ایرج (۱۳۸۶-۱۳۸۷). انجامه‌های سفینه تبریز. نامه بهارستان، ۸ و ۹ (۱۳ و ۱۴): ۲۸۵-۳۳۰.
- بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین (۱۳۸۸). تاریخ بیهقی (محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، مقدمه نویسان، مصححان و تعلیق نویسان) (۲ ج). تهران: سخن.
- تبریزی، ابوالمجد محمدبن مسعود (۱۳۸۱). سفینه تبریز: چاپ عکسی از روی نسخه مجلس شورای اسلامی (نصرالله پورجوادی و عبدالحسین حائری، مقدمه نویسان). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). تاج اللغة و صحاح العربیه (احمد عبدالغفور عطار، مصحح) (۶ ج). بیروت: دارالعلم للملایین.
- کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی نجفی (بی تا). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی (احمد حسینی، نگارنده). قم: بی تا.
- حسینی قزوینی، شرف الدین فضل الله (۱۳۸۳). المعجم فی آثار ملوک العجم (احمد فتوحی نسب، به کوشش). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سنایی، ابوالمجد مجدودبن آدم (۱۳۷۴). حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه (محمد تقی مدرس رضوی، مصحح و توشیحگر). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (۱۳۸۸). الهی نامه (محمد رضا شفیعی کدکنی، مقدمه نویسنده، مصحح و

تعلیق‌نویس). تهران: سخن.

----- (۱۳۸۸). مصیبت‌نامه (محمدرضا شفیعی کدکنی، مقدمه‌نویس، مصحح و تعلیق‌نویس).

تهران: سخن.

فراهیدی، خلیل‌بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین (مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، محققان) (۸ ج). قم:
نشر هجرت.

قاشانی، ابوالقاسم‌بن محمد (۱۳۸۴). تاریخ اولجایتو (مهین همبلی، به‌کوشش). تهران: انتشارات علمی
فرهنگی.

مستوفی، حمدالله (۱۳۷۷). ظفرنامه به انضمام شاهنامه (حمدالله مستوفی، مصحح؛ نصرالله پورجوادی و
نصرت‌الله رستگار، زیر نظر) (۲ ج). تهران: مرکز نشر دانشگاهی؛ وین: آکادمی علوم اتریش.
منشی، ابوالمعالی نصرالله (۱۳۸۴). ترجمه کلیله و دمنه (مجتبی مینوی طهرانی، مصحح توضیحگر). تهران:
امیرکبیر.

منور، محمدبن منورمیهنی (۱۳۸۶). اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید (۲ ج). (محمدرضا شفیعی
کدکنی، مقدمه‌نویس، مصحح و تعلیق‌نویس). تهران: آگه.

مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۵). مثنوی معنوی بر اساس نسخه نیکلسن (سعید حمیدیان، به‌کوشش).
تهران: قطره.

ناصرخسرو قبادیانی مروزی (۱۳۸۱). سفرنامه (محمد دبیرسیاقی، به‌کوشش). تهران: زوار.

مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰). تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی. تهران: وزارت فرهنگ
و ارشاد اسلامی.

نظامی گنجوی، یاسین بن یوسف (۱۳۸۸). خمسه نظامی: بر اساس نسخه سعالدی (سامیه بصیرمژدهی،
مقدمه‌نویس و مصحح). تهران: دوستان.

استناد به این مقاله:

مجرد، مجتبی؛ یاحقی، محمدجعفر (۱۳۹۳). واکاوی اصطلاح "تعلیق" در نسخه‌شناسی بر اساس انجامه‌های
سفینه تبریز. فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۲۵ (۴)، ۷۵-۸۷.